

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : مانلیو دینوچی - Manlio Dinucci

برگردان از: حمید محوی

۰۴ اپریل ۲۰۱۳

«هنر جنگ»

سوریه : مسابقه برای طلای سیاه

یک پرونده مرتبط به اطلاعات دولتی درباره انرژی در ایالات متحده به تاریخ ۲۰ فبروری ۲۰۱۳ به روشنی آشکار می سازد که منافع مرتبط به انرژی بوده که غربی ها و شورای همکاری خلیج (فارس) را به پشتیبانی از مزدوران مسلح در سوریه تشویق کرده است. گزارش مشخصاً محدود است به منابع کشف شده. این پرونده موضوع کشف منابع عظیم گاز را مطرح می کند که ردیابی شده بود ولی هنوز مورد تجسس و ارزیابی قرار نگرفته بودند.



ویلیام هیگ (وزیر امور خارجه بریتانیا) و احمد معاذ الخطیب (رئیس انقلاب و ائتلاف ملی مخالفان بشار اسد

رئیس جمهور سوریه). الخطیب یک لابی گرای شرکت نفتی انگلیسی-هلندی [رویال دوچ شل] است.

ذخائر نفتی کشف شده در سوریه معادل دو و نیم میلیارد بشکه (هر بشکه تقریباً ۱۵۹ لیتر است) تخمین زده شده است. این ذخائر حتی از ذخائر تمام کشورهای اطراف به استثناء عراق مهمتر است : این محاسبه از سوی مرکز اطلاعات انرژی دولت ایالات متحده درباره نفت (به ویژه ذخائر نفت دیگران) منتشر شده است. چنین موضوعی سوریه را به یکی از بزرگترین تولید کنندگان بالقوه نفت خاورمیانه تبدیل می سازد. علاوه بر این سوریه منابع گاز طبیعی وسیعی نیز در اختیار دارد که تا کنون برای مصرف داخلی، به ویژه جهت تأمین سوخت گازی (که آلاینده کمتری نسبت به نفت دارد) برای مراکز ترموالکتریک اختصاص داشته است. ولی به باور آژانس امریکائی یک مشکل وجود دارد : از سال ۱۹۶۴، مجوز برای صادرات و بهره برداری از این ذخائر به شرکتهای دولتی در سوریه اختصاص دارد. بر

اساس این وضعیت و صادرات نفت به ویژه به اروپا برای دولت سوریه تا سال ۲۰۱۰، سالانه درآمدی معادل ۴ میلیارد دلار داشته است.

با جنگ این وضعیت تغییر کرد. «ارتش آزاد سوریه» مناطق نفتی مهمی را در منطقه دیرالزور به تصرف خود درآورد. مناطق دیگری مانند رومیلان در کنترل کردهای حزب ائتلاف دموکراتیک قرار گرفت که البته با «شورشیان» مخالف هستند و چندین بار نیز بین آنها درگیری هائی روی داده است.

ستراتژی ایالات متحده/ناتو در کمک به «شورشیان» برای تصرف مناطق نفتی هدف مضاعفی را در پی داشت: ابتداءً محروم ساختن دولت سوریه از درآمد صادرات که از پیش تحت تأثیر تحریم از سوی اروپا تا حدود زیادی کاهش پیدا کرده بود، و سپس فراهم آوردن وضعیتی که در آینده ذخائر بزرگ با میانجیگری «شورشیان» و تحت نظارت شرکت های بزرگ نفتی غرب صادر شود.

در این چشم انداز، کنترل شبکه داخلی لوله های نفت و گاز مسأله ای بنیادی خواهد بود. شورشیان این شبکه را در چندین نقطه، به ویژه در اطراف حمص منفجر کردند، یعنی منطقه ای که دو پالایشگاه کشور در آنجا بنا شده است. عملیات تروریستی برای منفجر ساختن لوله های نفت و گاز با این هدف انجام گرفت که جریان سوخت نفتی را متوقف سازند.

از دیدگاه ستراتیژیک یک مسأله دیگر نیز حائز اهمیت بسیار زیادی است، و آن هم نقش سوریه به عنوان محل عبور انرژی های آلترناتیو است که از ترکیه و مسیرهای دیگر عبور می کند و تحت کنترل شرکت های امریکائی و اروپائی قرار دارد. «جنگ لوله های نفتی» از مدتها پیش آغاز شده بود: سال ۲۰۰۳ امریکائی ها پس از تسخیر عراق، فوراً لوله نفتی کرکوک/بانیاس که نفت خام عراق را به سوریه منتقل می کرد، تخریب کردند.

با این وجود، لوله های نفتی عین-صالح تا سویدیا(۱) در وضعیت عملیاتی باقی ماند. دمشق و بغداد، با وجود ممنوعیت هائی که واشینگتن برقرار کرده بود، طرح دو لوله گاز و نفت را که باید از سوریه عبور می کرد به اجراء گذاشتند. بر این اساس ذخائر عراق می توانست به مدیترانه و در نتیجه به بازار خارجی منتقل شود. موضوع دیگری که برای منافع غرب خطرناکتر به نظر می رسید، قرارداد مشترک دمشق، بغداد و تهران به تاریخ می ۲۰۱۱ بود که به موجب آن لوله گاز از راه عراق، گاز ایران را باید به سوریه و سپس به بازارهای خارجی منتقل کند. این طرح ها و چند طرح دیگر که از پیش تأمین مالی شده بود، به دلیلی که آژانس امریکائی مطرح می کند یعنی «شرایط نامطمئن سوریه» متوقف شده است.

(۱) نام این دو منطقه ممکن است اشتباه نوشته شده باشد

گاهنامه هنر و مبارزه

۳ اپریل ۲۰۱۳

شبکه ولتر/رم (ایتالیا) ۲ اپریل ۲۰۱۳

<http://www.voltairenet.org/article178032.html>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/برگردان از: حمید محوی/۳ آوریل ۲۰۱۳